

کتابت

ISSN : 2228-5679

[illegible]

ابراهیم بن حکم بن ظهیر ✦ جایگاه علمی اجتماعی ابن نخلد، از اساتید سنی مذهب شیخ طوسی ✦ حقیقه ایمان شهید ثانی یا ایضاح
البیان فی الدین بن محسن عاملی ✦ چگونگی مرجعیت و نشر فتاوی شیخ اعظم انصاری ✦ حاج شیخ جعفر شوشتری ✦ دکتر سید محمد
علی شهرستانی ✦ زندگینامه های خودنوشت شیخ حسین واعظ شوشتری، محمد تقی نیرتیری، میرزا محمد حسین نائینی و شیخ محمد غروی
سندی از حدود هشتاد سال پیش راجع به تحول در حوزه نجف اشرف ✦ پنج نامه منتشر نشده از استاد فقید دکتر ابوالقاسم گرچی ✦ هبه نامه
و وصیت نامه سید دلدار علی ✦ سه اجازه از بزرگان حله ✦ اجازه ابن ابی جمهور به سید حسن بن ابراهیم بن یوسف بن ابی شبانه
ببیت و پنج رساله در موضوع نذر بعد از وفات ✦ نگاهی به الاخبار الدخیله ✦ الاربعین فی امامه امیر المؤمنین ✦ آفاق نجف ✦
گزارش سفری به ریاض ✦ تصحیح اعیان الشیعه ✦ نامه شیخ آقا بزرگ تهرانی به آیه الله ملا محمد جواد صفای
نکته ها ✦ آثار نو یافته

کتاب پیوست: ملحق مال الاصل

بېست و پنج رساله در موضوع نذر بعد از وفات

رضا اسنادی

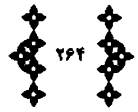
خمس وعشرون رسالة في موضوع النذر بعد الوفاة

اختلف علماء العصر الصفوي في مسألة النذر بعد الوفاة التي برزت لإحدى سيّدات البلاط الملكي آنذاك. وقد تمّ كتابة ٢٥ رسالة في هذا الموضوع نتيجة ذلك الاختلاف. وخلال فهرسة كتب المقال لوضع هذه الرسائل تقدّم تعريفاً لكل واحد منها

چکیده: در زمان صفویه، مسأله نذر بعد از وفات برای یکی از بانوان دربار پیش می‌آید که دانشمندان آن زمان بر سر آن اختلاف می‌کنند. در پی اختلاف در این امر فقهی، ۲۵ رساله در این موضوع نوشته می‌شود، که نگارنده در این کتابشناسی موضوعی به شناساندن آنها می‌پردازد. کلید واژه‌ها: نذر بعد از وفات؛ کتابشناسی موضوعی - فقه؛ عالمان شیعه - قرن ۱۲.

کتاب ششم (۲)
سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان (۱۳۸۹)

کتابشناسی
پست و پنج رساله در موضوع نذر بعد از وفات



لازم است پیش از معرفی رساله‌ها اشتباه فاحشی را که پیش آمده یادآور شوم.

چند سال پیش، سه اثر از آثار میرداماد توسط اینجانب تحقیق و نشر شد (رساله اربعه ایام، بخشی از شائع النجاة و شرعة التسمیة) از این رودر آن تاریخ شرح حال آن بزرگوار و فهرست تألیفات چاپ شده او را در مقدمه برخی از آثار یاد شده و نیز در کتاب نوزده ستاره و یک ماه آورده بودم.

تا زگی دفتر هشتم از مجموعه رسائل فارسی از انتشارات بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی شامل یازده رساله فارسی به دستم رسید.

رساله اول آن چنین معرفی شده است:

رساله فراوی شما یکی از نگاشته‌های تفصیلی میرداماد در قفه به زبان فارسی است که از دید کتاب شناسان و شرح حال نگاران او به دور مانده و تاکنون در جایی شناخته نیامده است.

وی این رساله را به فرمان شاه سلطان حسین صفوی در قفص ورده رساله‌ای که یکی از همروزگاراناش نگاشته بود به تحریر درآورده است....

نثر سنگین و پیچیده رساله که در عین حال نثری است سخته و پخته، به دیگر آثار میری مائنده است. این همسویی در سبک نگارش و همچنین آمدن نامش (یعنی نام میرداماد) در سر آغاز رساله نسبت این اثر را به او امری قطعی و مسلم می‌کند. دستنوشته این رساله نادر و نفیس که ظاهراً منحصر به فرد است در کتابخانه مؤسسه حضرت آية الله العظمی بروجردی - رحمه الله علیه - در شهرستان قم نگهداری می‌شود.

نام مؤلف در مقدمه رساله این طور آمده: «دعای دوام دولت قاهره محمد باقرین اسماعیل الحسینی».

اشتباه فاحشی که محقق این رساله گرفتار آن شده بسیار شگفت‌آور است؛ زیرا می‌دانیم که وفات میرداماد ۱۰۴۰ یا یکی دو سال بعد از آن و نام پدرش سید محمد است (نه اسماعیل) و تولد شاه سلطان حسین صفوی ۱۰۸۰ و سلطنت او از ۱۱۰۵ تا ۱۱۳۷ و مرگ او در ۱۱۴۰ است، پس چگونه میشود به امر این شاه، میرداماد رساله‌ای بنویسد؟

مؤلف این رساله - به شرحی که پس از این خواهد آمد - محمد باقرین میر اسماعیل خاتون آبادی (م ۱۱۲۷) است (نه میرداماد).

منشأ اشتباه این برادر عزیز، اشتباه مؤلف فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مؤسسه حضرت





آية الله العظمى بروجردی است که در معرفی این رساله نوشته است: «رساله نذر صرف اموال پس از مرگ»، از میرداماد محمد باقر بن محمد حسینی استرآبادی (۱۲۴۱) (کذا)».

و در پایان فهرست نیز کنار عکس صفحه اول این رساله نوشته است: «آغاز رساله نذر صرف اموال میرداماد».

این اشتباه که لازم بود یادآوری شود تا در دفتر بعدی مجموعه رسائل فارسی به صورتی اصلاح گردد، موجب گردید، اینجانب داستان این سؤال و جواب را پی گیری کنم، شرح ماجرا از این قرار است:

از جمله مسائلی که در فقه مطرح شده این است:

اگر کسی نذر کند که همه اموالش پس از وفات او صدقه باشد و یا همه را صدقه بدهند و نیز بردگان مملوک او پس از وفاتش آزاد باشند یا همه را آزاد کنند، آیا این نذر صحیح است یا نه؟ در پاسخ این سؤال فروعی به این شرح مطرح می شود:

• نذر مطلق صحیح است یا حتماً باید معلق به چیزی مانند بهبودی بیمار مثلاً باشد؟

• متعلق نذر باید راجع باشد و یا همین که مرجوح نباشد برای صحت نذر کافی است؟

• نذر به اینکه عبد مرا پس از وفات من آزاد کنید صحیح است یا نه؟

• نذر به اینکه عبد من پس از وفات من آزاد باشد صحیح است یا نه؟

• اگر یکی از این دو گونه نذر یا هر دوی عنوان نذر صحیح نیست، آیا تدبیر به شمار می آید که آن عبد، عبد مدبر باشد یا نه؟

• اگر این نذرها صحیح باشد و یا تدبیر به شمار آید آیا از اصل ماترک میت آزاد می شود یا از ثلث؟

• اگر از ثلث باید آزاد شود و قیمت آن بیش از ثلث باشد چه باید کرد؟

این هفت سؤال و برخی سؤالهای دیگر درباره این بود که کسی نذر کند آزادی عبد خود را پس از وفات.

مسئله دیگر

• اگر کسی نذر کند که همه اموال من پس از وفاتم صدقه باشد و یا همه را صدقه بدهید، این نذر صحیح است یا نه؟

• و آیا میان صورت اول که نذر فعل است با صورت دوم که نذر نتیجه است، فرقی می باشد یا نه؟

• اگر این نذرها صحیح نیست، آیا وصیت به شمار می آید یا نه؟

• به هر حال، نذر باشد یا وصیت، آیا اموال موجود در حین نذر شامل می شود یا اموال تا پایان عمر را؟

• آیا متعلق این نذر که ملازم یا محروم شدن وارثان می باشد، راجع است یا مرجوح یا نه راجع و نه مرجوح؟





• آیا اگر این نذر صحیح باشد و یا وصیت باشد ثلث ماترک صدقه می شود و یا باید صدقه بدهند و یا همه ماترک؟

• آیا این نذر اگر صحیح باشد مانند، وصیت قبول موصی له و یا رضایت و ازنان را در زائد بر ثلث لازم دارد یا نه؟

این هفت پرسش و برخی پرسش های دیگر درباره این است که کسی نذر کند صدقه دادن یا صدقه بودن همه اموالش پس از وفات او.

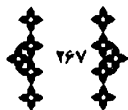
در زمان شاه سلطان حسین صفوی، مهد علیا (مادر شاه و یا همسر او) چنین نذری می کند. توضیح آن از یکی از رساله هایی که در این مقاله معرفی می شود، نقل می کنم.

... به توفیق ربانی و تأیید سبحانی حجاب سراقق عظمت واجلال، و پرده داران سرایرده جلال و اقبال... خدیجه آداب، زهرا انتساب، مریم القاب، مصد نشین محبوبان بارگاه رفعت و علا... بنای مدارس محکم اساس از عمل صالحین نشانی، و وقف نفائس املاک افزون از قیاس، بر علو همتش برهانی، یعنی مهد علیا و یانوی کبری... نواب مستطاب علیه عالیه - عمت صدقاتها و ثمت بالخیر مامولها... به عنوان نذر شرعی ملتزم عتق موالی و صدقه بودن اموال و اسباب متعلق به سربار عالی بر فقراء و مساکین... گردیدند، در حال اشهاد بر این مدعی در میان فضل و علما در انمقاد و صحت این نذر خلاف و نزاع بهم رسید، بعضی به جواز و صحت قائل و برخی به عدم آن مایل بودند و جمعی در مقام توقف ایستاده حکم جزم نفرمودند و تحقیق حال به مباحثه و جدال انجامیده به تحریر دلائل و تألیف رسائل پرداختند و قیل و قال از حد اعتدال تجاوز نموده از اطراف و جوانب به جرح و تعدیل یکدیگر شتافتند و بعد از تطاول قیل و قال و تمادی نزاع و جدال این داهی دوام دولت بی زوال نیز به تحریر رساله ای مشتمل بر تحقیق حال و تلخیص مقال و بیان محل اعتماد به طریق استدلال و رد و قبول دلائل اقوال مأمور گردیده، در مقام امتثال قدم جرات در میدان این خیال گذاشت و دیده آمال بر خزان الطاف حضرت ذوالجلال گماشت و هذا اوان الشروع فی المقصود و لیس التوکل الا علی الله الملك المعبود.... مؤلف این رساله شناخته شد. فارسی و ۴۸ صفحه و تاریخ تألیف آن ۱۱۱۴ است.

وی در پایان رساله اش می نویسد:

این بود آنچه در باب نذر معهود این نمود بی برد و ذره بی وجود مستحضر آن بود و عرض نمود و به اعتبار ضیق مجال و تفرق بال فرصت تنبیه اخبار و آثار و ملاحظه کتب علماء اخبار نیافت و به سبب غربت و اختلال زیاد و تطاول زمان هجران اهل و اولاد جمعیت خاطر و فراغ بالی نداشت....





گویا صحت و عدم صحت این نذر برای شاه سلطان حسین صفوی اهمیت فوق العاده داشته از این روزا فقهائ اصفهان و مشهد مقدس و بحرین خواسته که همگی نظر خود را درباره این مسأله برای او بنویسند که یکی از آنها همان فقهی بوده که بخشی از مقدمه رساله او را نقل کردیم.

خاتون آبادی در کتاب وقایع السنین در وقایع سال ۱۰۷۳ تعدادی از متولیان آستان قدس رضوی را نام می برد تا آنجا که می نویسد: «میرزا عبدالمؤمن شهرستانی سه سال متولی بود. بعد از او در سال ۱۱۱۱ تولیت به میرزا داود داده شد».

۱. وقایع السنین ص ۵۲۳.

و در جای دیگری می نویسد: «الحال که ۱۱۱۴ می باشد تولیت با میرزا داود است»^۱.

جناب آقای عطاردی در فرهنگ خراسان می نویسد:

او از شاعران عصر خود و داماد شاه سلیمان بن شاه عباس ثانی و از جناب شاه سلطان حسین صفوی به تولیت روضه رضویه مأمور بود.^۲

۲. فرهنگ خراسان ۳۹۱/۴.

شاه از میرزا داود خواسته بود از همه فقهاه حوزه مشهد مقدس بخواهد که نظر خود را درباره مسأله یاد شده برای او بنویسند.

محمد هادی مدرس و خادم روضه رضویه یکی از کسانی است که به دعوت میرزا داود رساله ای در پاسخ این سؤال نوشته.

در مقدمه آن می نویسد:

چون حسب الأمر قضا توأم معدلت شیم نواب اشرف اقدس ارفع اعلی مقرر گردیده بود که عالی جاه مقرب الخاقان متولی جلیل القدر آستانه مقدسه متوره مطهره علما و مجتهدین مشهد مقدس را احضار نموده، از ایشان استفسار نماید که آیا هرگاه کسی در حال صحت نذر کند... این نذر در شرع انور صحیح و معتقد می شود یا نه... و علما مشارالیه هم هر یک اعتقاد خود را با دلیل مشروحاً قلمی نموده به عرض پایه سریر خلافت مصیر رسانند لهذا این بنده فدوی به عرض مقیمان بارگاه عرش اشتیاء می رساند که این مسأله مزبور بخصوصها در قرآن مجید و کتب احادیث مخصوص نیست....

و در پایان رساله می نویسد: «بنابر حکم المأمور معذور اقدام بر عرض دلائل که به خاطر این بنده مستهام رسیده بود نمود...»^۳.

یادآوری شود که مؤلف این رساله نامش در خود رساله ذکر شده اما شرح حالی از او در دست ما نیست. این رساله فارسی و ۱۸ صفحه است.





رساله سوم:

تألیف ده‌گوا ابوالحسن الحسینی، به فارسی و هفت صفحه است و تاریخ کتابت ندارد.

در آغازش آمده:

به ذروه عرض می‌رساند که حسب فرمان اشرف الالقدس الافعی مقرر شده که عالیجاه متولی جلیل القدر آستانه مقدسه منوره سدره مرتبه از علماء مشهود مقدس معلی تحقیق مسأله ذیل نموده به خاطر هر کس رسد با دلیل و وجه ترجیح عرض نماید. مسأله مذکوره اینکه هرگاه کسی در حالت صحت نذر کند....

در پایان آن آمده: «الله اعلم بحقائق الامور».

در اعلام الشیعه سده دوازدهم^۳ عالمی به نام میرزا ابوالحسن حسینی استرآبادی یاد شده که علامه مجلسی ره در مشهد در سال ۱۰۸۵ - در حالی که او در عنوان جوانی بوده - اجازه مقصلی برای او نوشته و او را این طور توصیف نموده:

سید ائمه فاضل کامل حسب نجیب لبیب ادیب اریب فطن زکی متوقد المعی الامیر ابوالحسن استرآبادی المشهدی اصلاً ومولداً وموطناً وفقه الله.

شاید مؤلف رساله مذکور ایشان باشد.

رساله چهارم

تألیف کمترین داعیان ابوالمفاخر حسینی.

آغازش:

«به عرض می‌رساند که نذر مزبور بحسب ظاهر و احتمال راجع در نظر کمترین منعقد است...».

پایانش: «والله تعالی عالم بحقیقه الحال».

این رساله فارسی و پنج صفحه است و تاریخ کتابت ندارد.

در اعلام الشیعه سده دوازدهم^۴ مطالبی هست که می‌توان از آنها در شناخت ابوالمفاخر حسینی استفاده کرد، اما جرمی نیست.

رساله پنجم

تألیف بنده فدوی محمد سعید المدرس الرضوی است.

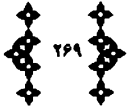
آغاز:

به ذروه عرض یاریافتگان بارگاه جهان پناه می‌رساند که چون حسب الامر الاحملی

۳. اعلام الشیعه، سده ۱۲، ص ۱۵۹.

۴. اعلام الشیعه، سده ۱۲، ص ۱۶۶ و ۱۶۵ و ۱۸۱.





مقرر شده بود که عالی‌جاه متولی جلیل‌القدر آستانه مقدسه منوره، سدره مرتبه،
عرش درجه، مقرر دارد که علما و مجتهدین مشهد مقدس معلى درمساله آنکه هرگاه
کسى درحال صحت نذر کند... بذل جهد و اهتمام در تحقيق مساله مذکوره نموده
حقيقت آن را به عرض اقدس رسانند، لہذا به عرض باریافتگان مجلس بهشت آئین
میرساند که هرگاه درمساله مزبور...

انجام رساله: دامره اعلیٰ.

این رساله فارسی و سه صفحه است.

شاید مؤلف همان باشد که علامه طهرانی او را به عنوان محمد سعید الخادم النجفی زنده در
۱۱۰۹ یاد کرده است.^۵

رساله ششم

تألیف العبد الفاقرالی ربہ القادر عبد النبی بن محمد تقی بن محمد باقر الحسینی.

این رساله ۱۲ صفحه و تاریخ کتابت ندارد.

مؤلف ظاهراً همان است که در اعلام الشیعه سده یازدهم و نیز دوازدهم به عنوان عبد النبی
مشهدی یاد شده و علامه طهرانی فرموده: «ولعلہ من المدرسین بمشهد خراسان».^۶

در آغاز رساله آمده:

چون در این اوقات مسأله‌ای از جزئیات نذر مطرح انظار فضلا و مطرح افکار علماء
ابن دیار گردیده و به مقتضای «کل حزب بما لدیہم فرعون» هریک از ارباب کمال
و هرکسی از اصحاب مناظره و جدال بر طبق مدعی خود در آن خوض و بر صحت
اختیار خود استدلال می‌نمود به خاطر فاجر العبد الفاقر... خاطرش که آنچه در این
مسأله به نظر قاصر مقرون به صواب و از شوب و خدشه ریا و ازیاب میرا بوده باشد
مقرون به ایجاز و مأمون از اطناب ایراد نموده که شاید بدین وسیله از حسیضی خمول
و کم‌نامی به شرف مذکوریت خواطر راه یافتگان محافل معانی و سدره نشینان مسند
نکنه دانی مستغرق گردد. و باطله التوفیق مسأله اگر کسی نذر کند....

رساله هفتم

تألیف محمد شفیع المدرس

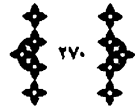
أفاض:

اقل داعیان به عرض می‌رساند که چون حسب الامر الاعلیٰ طلبه مشهد مقدس

۵. اعلام الشیعه، سده ۱۲، ص ۳۰۷.

۶. اعلام الشیعه، سده ۱۲، ص ۲۷۹ و سده یازدهم، ص ۳۵۹.





عموماً مأمور بودند که در مسأله معینه که مشروحاً مذکور می شود هریک را آنچه به خاطر باشد تحریر و عرض نمایند بنابراین داعی را نیز آنچه به خاطر قاصر رسیده عرض می نماید....

پایان:

«والله اعلم بحقائق الامور والحمد لله اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً و صلى الله على محمد وآله اجمعين».

این رساله فارسی و سی صفحه است و تاریخ کتابت ندارد.

مؤلف ظاهراً همان است که در فرهنگ خراسان حضرت آقای عطاردی به عنوان محمد شفیع خادم و در اعلام الشیعه سده دوازده، به عنوان محمد شفیع الخادم الموسوی تراب العتبة الرضویة، یاد شده و کتاب الجنة الواقعة به خط او مورخ ۱۰۹۳ در سامرا به بوده است.^۲

رساله هشتم

تألیف هدایت الله المدرس الخادم.

این رساله فارسی و ۴ صفحه است. تاریخ کتابت ندارد. در پایان آن آمده:

شفوق دیگر نیز متصور می شود که بیان آنها با ذکر احادیث به طول می انجامد اگر مقرر فرمایند رساله علیحده می تواند نوشت - والعلم عند الله وعند حجه علیه السلام.

آغاز:

به موقف عرض می رساند که حسب الامر مقرر گردیده بود که وکلاء اجلاء عالی جاه متولی جلیل القدر آستانه مقدسه منوره متبرکه عرش درجه، علماء و مدرّسین مشهد مقدس معلی را طلب فرموده از ایشان تحقیق نمایند که هرگاه شخصی در حال صحت... و عالی جاه معظم الیه ضوعف قدره العالی در روز جمعه ۲۳ شهر ذیقعد الحرام سنه ۱۱۱۳ به موجب تعلیق رقیعه همگی طلبه را مع ذره بی مقدار طلب فرموده بعد از خواندن تعلیق مقرر فرمودند که هر که به دلیل جواب مسائل را داند تحریر نموده ظهر آنرا مهر و بسپارد تا به درگاه عرش اشتباه ارسال نماییم. بنابراین وجوب اطاعت، آنچه از آیات و بنات واضحه الدلالات و احادیث اوصیاء خیر البریات، اقل طلبه می فهمد معروض می دارد....

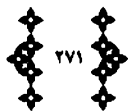
شاید مؤلف همان است که در کتاب فرهنگ خراسان درباره اش می نویسد:

شاه سلیمان صفوی در سال ۱۰۷۹ وی را با فرمان مشروح به عنوان شیخ الاسلام مشهد مقدس برگزیده است.^۳

متأسفانه اصل فرمان را آقای عطاردی به خاطر طولانی بودن نقل نکرده است.

۷. فرهنگ خراسان، ۲۲۶/۶، و اعلام الشیعه، سده ۱۲، ص ۳۶۵.

۸. فرهنگ خراسان، ۵۷۶/۷.



رساله نهم

تألیف ذره بی مقدار محمد رحیم خادم و شیخ الاسلام مشهد مقدس.

این رساله فارسی وسه صفحه است. تاریخ کتابت ندارد.

آغاز:

به ذره عرض می‌رساند که چون حسب الامر الارفع به موجب تعلیق رقیعه مقرر گردیده بود که عالی‌جاه، اسلام و اسلامیان را ملاذ، متولی عظیم القدر آستانه مقدسه منوره عرش درجه از مجمع علما و فضلاء ارض اقدس این مسأله را... استفسار نماید و هر یک آنچه از ادله شرعی، استنباط نموده باشند مدلل بر صفحه عرض نگارند از این جهت فقیر حقیر آنچه در تحقیق این مسأله از آیات قرآنی و احادیث نبویه و آثار و اخبار ائمه اطهار - صلوات الله علیهم - و از تتبع اقوال و احکام فقهاء کرام - رضوان الله علیهم - استنباط نموده بود خلاصه آن را معروض می‌دارد....

انجام: «و چون موجب اطاله می‌شد جرأت عرض ننمود امره اعلی».

مؤلف در اعلام الشیعه سده دوازده یاد شده، فرموده‌اند از مدرسان مشهد و در سال ۱۱۱۷ از دین رفته و در مدرسه جعفریه دفن شده است.^۹

۹. اعلام الشیعه، سده ۱۲، ص ۲۶۱

رساله دهم

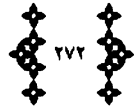
تألیف داعی دوام دولت ابد مدت عبدالواسع تونی.

فارسی در ۴ صفحه.

آغاز:

به موقف عرض ایستادگان پایه سریر خلافت مصر می‌رساند که چون در این وقت بنابر اعتبار و مزید افتخار طلبه علوم دینی این دیار حسب الامر الاشرف الاقدس الارفع، تعلیق رقیعه به عهده عالی‌جاه اسلام و اسلامیان ملاذ، متولی جلیل القدر سرکار فیض آثار ثامن الائمة الاطهار - صلوات الله وسلامه علیه و علیهم ما اختلف الدلیل والنهار - در باب مسأله‌ای که مطرح افکار فضلاء و مطلع نظر اراکین گردیده عراضدار یافته... تا هر که از این طایفه به مساعدت توفیق در مدرس تحقیق به قوت قریحه مستقیمه رتبه استنباط مسائل قریحه از ادله شرعی به قدر مرتبه استعداد حاصل شده باشد، عیار فهمیده خود را به میزان اختیار سنجیده به عرض همایون و نظر کیمیا آثار رساند بناءً علیه این دعاگوی بی بضاعت با آنکه در عداد این جمع ذوی الاعتداد نبود نشیناً بهم به عرض می‌رساند....





پایان رساله: «والله يعلم».

ملا عبد الواسع تونی همان است که رساله ذهبیه را به نام شاه سلطان حسین صفوی در سال ۱۱۱۹ به فارسی ترجمه کرده است و علامه طهرانی در اعلام الشیعه برخی از تألیفات او را یاد کرده است.^{۱۰}

رساله یازدهم

تألیف داعی دوام دولت قاهره محمد الحسینی الخادم قاضی مشهد مقدس.

۱۰. اعلام الشیعه، سده ۱۲، ص ۶۸۱.

آغاز:

به موقف عرض استادگان پایه سریر خلافت مصیر می‌رساند که چون در تاریخ بیست و چهارم شوال سنه ۱۱۱۳ تعلیقچه رفیعہ مفیده بحسب الامر الاعلی به عهده عالیجاء متولی آستانه مقدسه منوره متبرکه عرش درجه صادر شد که عالیجاء معظم إلیه از علما و مجتهدین مشهد مقدس معلی درباب این مسأله که... استفسار و سؤال فرماید که هرکس رای خود را با دلیل علیحدہ مرقوم و عرض نماید؛ لهذا این ذره بی مقدار نیز آنچه درباب مسأله مزبوره به خاطر فائز رسانیده عرض می‌دارد....

پایان:

والعلم عندالله العزیز العلم وحججه الاعلام وسفرانه المکرام ﷺ تم الكتاب بعون الملك العلم.

فارسی و هشت صفحه است.

در اعلام الشیعه چند نفر به عنوان محمد الحسینی یاد شده‌اند، اما معلوم نیست که مقصود این مؤلف باشد در کتاب فرهنگ خراسان هم به این عنوان با خصوصیات ذکر شده، یاد نشده است، اما در کتاب وقایع السنین خاتون آبادی در گزارش مجلسی می‌نویسد: «میرزا داود متولی [که همان متولی آستان قدس است] و میرزا سید محمد قاضی حاضر بودند».^{۱۱}

۱۱. وقایع السنین، ص ۵۶۲.

رساله دوازدهم

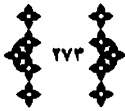
تألیف اقل طلبه محمد صادق الخادم

سه صفحه و فارسی است.

آغاز:

به ذروه عرض می‌رساند که حسب الامر نواب اشرف اقدس همایون مقرر شده بود که طلبه مشهد مقدس معلی مرکزی در مسأله نذر متعلق بهما بعد فوت تأمل نموده آنچه برایشان ظاهر گردد عرض نمایند و عالیجاء متولی سرکار فیض آثار فقیر را مأمور نمودند که در این تأمل نماید؛ لهذا معروض می‌دارد که....





پایان:

این است آنچه بعد از تتبع ظاهر بعضی نصوص و فتاوی فقهاء براین داعی معلوم گردید -
والعلم عند اهله.

در اصلاح الشیعه سده دوازدهم محمد صادق مشهدی معرفی شده که در ۱۰۹۴ رساله بدایه
الهدایه را استنساخ کرده و بر مرحوم شیخ حر خواننده وی بر آن رساله مسماع او را نوشته است.^{۱۲}
احتمالاً مؤلف این رساله همین شخص باشد.

۱۲. اعلام الشیعه، سده ۱۲، ص ۳۵۵.

رساله سیزدهم

تألیف ملا محمد تقی طبسی. وی در سال ۱۱۱۷ مهج الدعوات ابن طائوس را به امر شاه سلطان
حسین ترجمه کرده و تا سال ۱۱۳۰ زنده بوده.^{۱۳}

۱۳. اعلام الشیعه، سده ۱۲، ص ۱۲۳.

۲۲ صفحه فارسی است.

آغاز:

الحمد لله الذی خلق الإنسان ... مسأله: هرگاه شخصی نذر کند ... جواب آنکه به
منصبه عرض ناظرین و متأملین صاحب انصاف و متفکرین مبنا از شایسته تعصب و
اعتصاف می‌رساند که چون مسأله در غایت غموض و اشکال و از طرفین سخنان و
ادله و سؤال و جواب بسیار است پس لازم دانست ...

انجام:

چه زمان غیبت امام و حجت جناب اقدس الهی است، پس باید که دست از
احتیاط برداشته نشود. امید است که جناب اقدس احدیت به زودی زود منجیرین
بیداری ظلمت و جهالت را به لمعان مصباح هدایت و طریقت و مستغرقین دریای
معصیت و ندامت را به جریان سفینه النجاة ملت و شریعت نجات و خلاصی داده
به فیضان نعمای نامعدود مرحمت و احسان آلاء نامحدود مغفرت بهره‌ور گرداند.

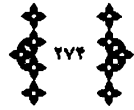
رساله چهاردهم

رساله کوتاهی است در ۴ صفحه، فارسی؛ تألیف تراب اقدام علمای ربانی محمد رضا صبیبه زاده
ملا محمد صالح مازندرانی.

آغاز رساله:

به ذروه عرض باریافتگان پایه سریر گردون مسیر می‌رساند که چون حسب الامر
الاعلی مقرر گردید که عالیجاه متولی جلیل القدر آستانه مقدسه منوره سدره مرتبه





امیرزا داود الحسینی از علماء امامیه مشهد مقدس تفتیش واستفسار این مسأله نماید که هرگاه کسی نذر کند... چون این بی بضاعت قریب یک سال است که در این آستان قدسی مکان به زیارت نیابت ودعای دوام دولت ابد مدت قیام می نماید، مقرر فرمودند که این ذره بی مقدار حکم این مسأله قلمی وبه درگاه معلی عرض نماید. آنچه به خاطر فائز می رسد این است که...

انجام رساله:

وکلام اکثر علمای ما - رضوان الله علیهم - در این باب مختلف است ونهایت تشویش دارد وتفصیل اقوال ایشان را با باقی ادله واحکام متعلقه به این مسأله در رساله مختصره به عرض بندگان درگاه عالم پناه می رساند - امره اعلی.

رساله پانزدهم

همان طور که مؤلف رساله چهاردهم وعده نوشتن رساله دیگری در این باره داده بود، به این وعده عمل نموده، رساله ای مفصل تر از رساله قبل نگاشته است.

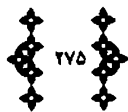
آغاز:

بسم الله الرحمن الرحیم... عرضه داشت به ذروه عرض یاریافتگان پایه سریر گردون می رساند تراب اقدام علمای ریانی محمد رضا صبیبه زاده ملاحمد صالح مازندرانسی که چون حسب الامر الاعلی مقرر گردیده که عالیجاه متولی جلیل القدر آستانه مقدسه منوره سدره مرتبه امیرزا داود الحسینی، از علمای امامیه وفقهای انشاعشره مشهد مقدس تفتیش واستفسار این مسأله نماید که هرگاه کسی نذر کند که بنده مملوک اوبعد از فوت اوازاد باشد یا نذر کند که مال اوبعد از وفات صدقه یا در وجوه بجز صرف این نذر در شرع انور صحیح و... می شود یا نه و بر تقدیری که صحیح باشد آیا از اصل ترکه بدر باید کرد یا از ثلث، از اخبار شریفه وآیات صریحه منیغه چه حکم مفهوم می گردد؟ و چون این بی بضاعت قریب به یک سال است که در این آستان قدسی مکان به زیارت نیابت و دعاگویی دوام دولت ابد مدت قیام و اقدام داشته و می دارد مقرر فرمود که این ذره بی مقدار نیز حکم این مسأله قلمی وبه درگاه معلی عرض نماید بنابراین حکم این مسأله را در مقدمه وسه مطلب وخاتمه عرض می نماید....

پایان رساله:

کنیه المحتاجة الراجية إلى رحمة [كذا] الربانية والشفاعة النبوية الأمة الضعيفة بنت ملاحمد صالح زکّیة فی روضة [كذا] الرضویة - علی مشرفها الف تحية - فی سنة ثلاث وعشرة ومائة وألف بعد هجرة النبوة ﷺ.





کتاب رساله مادر مؤلف و نامش زکبه است.

در کتابخانه مدرسه فیضیه قم نسخه‌ای از شرح کافی ملا صالح مازندرانی به خط همین بانو موجود است. به فهرست آنجا (۱ / ۱۵۶) رجوع شود.

این رساله ۳۰ صفحه رقی، هر صفحه دارای ۱۲ سطر درشت خط است.

نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه آیه‌الله مرعشی قم موجود است.

رساله شانزدهم

فقط یک صفحه فارسی است.

مؤلف آن شناخته نشد.

آغاز: «والحمد لله الجواب ومنه سبحانه استمداد الصواب...».

انجام:

و کلام فقها - رضوان الله عليهم - که در شرح و متن مرقوم است والحمد لله وحده

وصلی الله علی محمد وآله الاطهار المعصومین آمین رب العالمین.

رساله هفدهم

مؤلف رساله‌ای دیگر درباره این مسأله نگاشته که در رساله کوتاه قبلی از آن یاد کرده می‌نویسد:

دلیل ما در این است عموم اخبار که از ائمه اطهار - علیهم افضل الصلاة والسلام -

وارد شده و آن اخبار منوره در رساله‌ای که در این مسأله نوشته شد مسطور نمودیم.

این رساله در دست ما نیست تا معرفی نماییم.

رساله هجدهم

تألیف علی بن حسین کربلانی صاحب تألیفات متعدد و متوفای ۱۱۳۶ و یازنده در این تاریخ

نسخه‌ای از این رساله که به خط صاحب ریاض العلماء بوده در ذریعه یاد شده و گفته شده که

صاحب ریاض بر آن نسخه نوشته بود: «مؤلف سابقاً مدرّس مدرسه مریم بیگم (اصفهان) بود». ۱۲

این رساله فارسی در ۲۰ صفحه، آغاز آن این است:

تحریر مسأله چنین است: آیا اگر کسی در حالت صحت نذر کند...

و انجام آن:

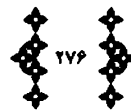
و حال آن که کمترین بندگان از راه احتیاط نیز دعوی اجماع نکرده بودم... و این‌ها می‌گفتند که

هیچ کس نگفته است.

کتاب ششم (۲)
سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان (۱۳۸۹)

(کتابخانه‌ای)
بیست و پنج رساله در موضوع تدریس از ولادت





واین همان رساله‌ای است که شاه سلطان حسین صفوی آن را به میرسید محمد باقر خاتون آبادی برای مطالعه و یا ارزیابی داده بود.

مرحوم خاتون آبادی خلاصه این رساله را در شش صفحه نقل کرده است تا در صحت و سقم آن بحث نماید.^۴

رساله نوزدهم

تألیف میرسید محمد باقر بن میرمحمد اسماعیل حسینی خاتون آبادی متوفای ۱۱۲۷ است.

از این رساله دو تحریر موجود است. آنچه در مجموعه رسائل فارسی از انتشارات بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی در هفتاد و پنج صفحه (اشتباهاً به عنوان تألیف میرداماد) چاپ شده، تحریر کامل‌تر آن است. و تاریخ کتابت ندارد.

آغاز رساله:

بسمه، الحمد لله... وبعد: چون امر اشرف اعلی و فرمان عالم مطیع... شاه سلطان حسین الحسینی الموسوی الصفوی... صادر شد که داعی دوام دولت قاهره محمد باقر بن اسماعیل حسینی را در این مسأله که هرگاه کسی در حال صحت و اختیار با وجود افارب و ورثه نذر کند که بعد از فوت او جمیع اموال او صدقه باشد... آنچه به خاطر فائز رسد و رجحان آن ظاهر گردد، به تفصیل و تعجیل به موقف عرض رسانم... و آنچه در اثبات احکام مذکوره در رساله‌ای که حسب الامر جهان مطاع کمترین آن را مطالعه نموده‌ام، ذکر شده ناتمام است و به امثال آن سخنان اثبات حکمی از احکام شرعی نمی‌توان نمود... و سخنان رساله مذکوره این است...

رساله بیستم

تألیف ملا محمد مراب گیلانی متوفای ۱۱۲۴ و صاحب تألیفات فراوانی است.

این رساله فارسی در ۲۸ صفحه و آغاز آن این است:

الحمد... اما بعد چون خاطر ملکوت ناظر نواب کامیاب...

این بیست رساله همه فارسی و رساله نوزدهم مفصل‌ترین آنها است.

رساله بیست و یکم

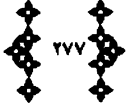
تألیف علی بن الحسین بن یوسف بن حسن البحرانی البلادی.^۵

۶ صفحه و عربی است. تاریخ کتابت نهم ذیحجه ۱۱۲۰.

آغاز:

۱۵. مجموعه رسائل فارسی، دفتر هفتم، ص ۱۷ تا ۲۴.

۱۶. اعلام النبیه، سده ۱۲، ص ۵۰۷.



بسم الله الرحمن الرحيم. اما بعد، حمد الله سبحانه بما أنعم والصلوة على نبينا وسيدنا محمد وآله مصاييح الظلم. فحيث وردت الإشارة العلية في مسألة فقهية من الجهة الرفيعة المنبئة العالية العالية البهية المضينة الشاهية - ادام الله نصره وظله على العالمين، حرس الله سبحانه جهاتها عن طوارق الحدثنان على متر الزمان - فوجب على الداعين لتلك الدولة القاهرة والسلطنة الباهرة التعرض لذلك حسب الامكان. فيقول وعلى الله المعول والتكلان اما المسألة الفقهية....

انجام:

هذا وان المقام مقام ظهور الأحكام الشرعية لامقام علم وجزم. فلا محذور في قوة الأدلة من الجانبين عجل الله بظهور صاحب الأمر ومخرجه، فانه العالم بالأحكام للأنام والشافى بصفاني الجواب والهادي إلى الصواب. وكتب الداعي بدوام الدولة القاهرة والسلطنة الباهرة. ادام الله سبحانه ظلالتها على العالمين آمين، على بن حسن بن يوسف بن حسن البحراني البلاوي بتاسع ذى الحجة الحرام سنة ١١٢٠ (يا ١١١٣).

١٧ اعلام النبوة، سنة ١٢، ص ٣١٩

رساله بيست ودوم

تأليف سليمان بن عبدالله البحراني.^{١٧}

٦ صفحه وعربی است.

آغاز:

الحمد لله على افضاله والصلوة على محمد وآله، وبعد؛ فحيث وردت الأوامر العالية السامية القاهرة الباهرة - ادام الله سبحانه تأييدها وتسديدها واجزل على العالمين برؤسا ومزيدها ولأثالت عالية الاعلام نافذة الأحكام- بالجواب عن مسألة هي موضع الاشكال والابهام وهي ما لو نذكر... تعين على العبد الداعي بدوام تملك الدولة القاهرة الجريان (كذا) في ذلك الميدان وان لم يكن من اهل هذا الشأن فاقول....

انجام:

هذا ما خطر بالبال العليل والفكر الكلليل والاله الهادي الى سواء السبيل. وكتب الداعي بدوام الدولة العالية القاهرة سليمان بن عبدالله البحراني حامداً مصلياً مسلماً مستغفراً.

رساله بيست وسوم

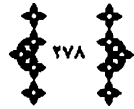
تأليف بهاء الدين محمد بن محمد باقر الحسيني مختاري ثائني سبزواري متوفى حدود ١١٤٠. نام اين رساله عمدة الناظر في عقدة الناظر است.

نسخه ما از آغاز کمی افتادگی دارد.

کتاب شیمه (٢)
سال اول، شماره دوم، پاییز زمستان (١٣٨٩)

[کتاب شناسی]
بیست و پنج رساله در موضوع نذر بندگی وفات





صد صفحه وزیری و عربی است. به رساله‌ها و نیز گفته‌های معاصران درباره همین مسأله نظر دارد و گفته‌های آنان را با دلیل رد می‌کند.

از چند صفحه به آخر مانده این رساله برمی‌آید؛ که یکی از مشاهیر اعلام این نذر را صحیح دانسته و اصحاب او هم رساله‌هایی در اثبات صحت آن نوشته‌اند و شفاهاً هم از آن عالم مشهور مطالبی در این زمینه نقل شده و بهاء الدین محمد با نظریه آن عالم مشهور رساله‌های اصحاب او آنچه شفاهاً شنیده است این رساله بالنسبه مفصل را در عدم صحت آن نذر در چهار فصل نگاشته است.

پایان رساله:

وقد تيسر الاختتام بتوفيق الملك العلام فاعتقت رقية القلم عن رتبة الرقم في اواخر شهر ربيع الثاني ختمه الله بالأمال من السنة ١١١٤ وكتب مؤلفها الفقير الى رحمة ربه الغنى المغنى بهاء الدين محمد بن محمد باقر الحسيني - عفا الله عنهما - ... والحمد لله رب العالمين.

این رساله در ذریعه با نام عمدة الناظر فی عقدة النازیاد شده و علامه طهرانی فرموده: «کتبها فی مشاجرة فی مسألة النذر».^{۱۸}

۱۸. ذریعه، ۱۵، شماره ۲۷۸.

رساله بیست و چهارم

تألیف همان بهاء الدین مختاری است به نام اشارة الطروس فی شرح عبارة الدروس فی النذر در ذریعه یاد شده است.^{۱۹}

۱۹. ذریعه، ج ۲، ص ۳۵۴.

علامه طهرانی فرموده:

اودر رساله‌ای که در شرح حال خود نوشته می‌نویسد: قد شرحت فيه عبارة كتاب النذر التي صارت مطروح انتظار اهل العصر.

نسخه‌ای از آن در کتابخانه آية الله مرعشی هست که در آن به عمدة الناظر احاله داده شده است.

در فهرست کتابخانه آية الله مرعشی آمده:

اشارة الطروس فی عبارة الدروس از بهاء الدین محمد بن محمد باقر حسینی مختاری. اورسالة‌ای نگاشته بود به نام عمدة الناظر فی عقدة الناذر در عدم صحت نذری که معلق به بعد از مرگ انسان باشد. شخصی بر او ردی نوشته و در آن استدلال به عبارتی از کتاب دروس شهید اول نموده بود. او این رساله را در پاسخ آن رد نوشته و تاریخ پایان نگارش آن جمعه بیست و ششم جمادی الثاني ۱۱۱۴ می‌باشد. آغاز: احسن ما تزینت به صفحات الدروس....

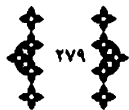
انجام:



کتاب شیمه [۲]
سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان [۱۳۸۹]

[کتاب شناسی]

بیست و پنج رساله در موضوع نذر بعد از وفات



ولنكتف بهذا القدر في هذا المقام فمن شاء الاستقصاء فعليه بالعمدة فانها العمدة
في حل العقدة....^{۲۰}

رساله بیست و پنج

۵ صفحه، عربی است. مؤلف شناخته نشد.

آغاز: «الحمد لله رب العالمین، والصلاة علی محمد وآله المعصومین الجواب والله تعالی استمداد
الصواب...».

انجام:

والله اعلم بحقیقه الحال والیه المرجع والمآل تحریراً فی تاریخ ۱۸ شهر رمضان
المبارک فی سنة رابع عشر و مائة بعد الف ۱۱۱۴^{۲۱}

توجه: فقط سه رساله از این بیست و پنج رساله در ذریعه علامه طهرانی یاد شده است.

۲۰. فهرست کتابخانه آیه الله مرعشی نج ۹، ص ۱۵۹.

۲۱. پیدا کردن این رساله ها و تهیه عکس آنها موزن
کتاب ارجمند فهرستوار و دستنویست های ایران (دنا)
است که به نازکی در ۱۶ جلد چاپ شده است.

